



چرا حضرت عباس (ع) باب الحوائج است؟

حجت الاسلام والمسلمین یحیی صادقی در گفت وگویی سرّ باب الحوائجی حضرت عباس(ع) را تشریح کرد. خلاصه این گفتوگو به شرح زیر است. وی می گوید:

حجت الاسلام والمسلمین یحیی صادقی در گفت وگویی سرّ باب الحوائجی حضرت عباس(ع) را تشریح کرد. خلاصه این گفتوگو به شرح زیر است. وی می گوید:

«#؛ و اُبلّی بلاء حسنا « عباس بن علی(ع)، مبتلا به آزمون سخت شد و ایثار و جان فشانی کرد و سر فراز بیرون آمد در بیان اینکه چرا او «#؛ باب الحوائج» الی الله است و هر گرفتار و درمندی به او متوسل می شود و حاجت می گیرد، علل مختلفی ذکر کرده اند که چرا او باب الحوائج الی الله است آیا به خاطر این است که دست خود را از دست داد یا به خاطر این بود که فرقه شکاف برداشته است یا...

«#؛ از حسن روی یوسف دست بریده سهل است / در کوی دلبر ما سرها بریده بینی»

در روز عاشورا اصحاب ابا عبد الله واقعاً مردانه ایستادگی کردند، 72 نفر در برابر سی هزار نفر بودند و آنقدر رشادت کردند که این جنگ تا عصر عاشورا طول کشید.

نیزه ها بدن ها را پاره پاره کرد، اما روح که تسخیر پذیر نیست، آن کرامت های اخلاقی قابل تغییر و تحول نبود، ثابت قدم ماندند و به کوی جانان رفتند.

حضرت عباس گرفتار آزمون سخت شد و سربلند از آن بیرون آمد؛ آن حضرت القاب فراوانی دارد یکی از القاب او «#؛ عبد صالح» است «#؛ السّلامُ عَلَیْکَ یا ابْنَ أَمیرِ الْمُؤْمِنینَ السّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْعَبْدُ الصّالِحُ الْمُطِیعُ لِلّهِ وَ لِرَسُولِهِ « [9] یکی از القاب او «#؛ سقااست» و از القاب او «#؛ صاحب اللواء» است او پرچمدار کربلاست.

لقب دیگر او باب الجوائج است، بزرگان وجوهی ذکر کرده اند که چرا او قبله حاجات ارباب حوائج است.

مرحوم آقای برقی می گفت: اینکه او به مقام باب الحوائجی رسیده است، به خاطر این نیست که چون دست یا پای او را قطع کردند و یا چشمش را تیر باران کردند، بلکه علت آن امر دیگری است امتحانی که او پس داد هیچیک از شهدای کربلا این امتحان را پس ندادند.

حضرت ابوالفضل(ع) تشنه بودند و وارد شریعه فرات شدند و موج های فرات را دیدند، انسان تشنه ایی که سه روز آب نخورده است و مشکش را پر از آب کرده است، کفی از آب فرات را برداشت و یاد تشنگی برادر نبود و این کف آب را به بالا آورد و هنوز تشنگی برادر را به خاطر ندارد، همین که آب را نزدیک لب ها آورد و مماس لب های تشنه او شد اینجا بود که «#؛ فتذکر عطش اخیه الحسین» [10] یاد تشنگی برادر کرد و این رجز را خواند.

«#؛ یا نفسی منْ بعدَ الحسینِ هونی وبعده لا کُنْتَ اَنْ تَکونی
هذا الحسینِ وارد المنون وتشربین بارد المعین؟!
تا الله ما هذا فعال دینی»

خطاب به نفس خود گفت تو سیراب باشی و اطفال ابی عبد الله فریاد تشنگی شان به آسمان برسد.
بعد قسم یاد کرد که به خدا این رفتار دین نیست که من با لب سیراب از شریعه بیرون بروم، ولی اطفال حجت خدا تشنه باشند.
جناب سید حبیب الله چایچیان معروف به «#؛ حسان» در کتاب اشکها بریزید اشعار نغری دارد.

کربلا کعبه عشق است و من اندر احرام
شد در این کعبه عشاق دو تا تقصیرم

دست من خورد به آبی که نصیب تو نشد
چشم من کرد از آن آب روان تصویرم
باید این دیده و این دست دهم قربانی
تا قبول افتد حج من و تقصیرم

با خود گفت، من این را هم بر خودم نمی‌بخشم، چرا دست زیر آب کردم و تا نزدیک لب‌ها آوردم؟ این بر مُحرم حرام است، چرا که من محرم هستم و کربلا محل احرام می‌باشد، یکی از محرمات احرام، نگاه به آیینه است گویا عباس بن علی خطاب به نفسش می‌گوید؛ ای عباس چرا بر آب نگاه کردی و خودت را دیدی! به جرم این محرمات احرام در کربلا، باید این چشم و دست خود را قربانی کنی، تا فدیۀ این دو عملت باشد.

مرحوم برقعی می‌گفت: غیر از چشم بیدار خدا کسی عباس را نمی‌دید و اگر عباس از شریعه؛ آب می‌خورد کسی خبر نداشت، لکن برای رضای خدا، با نهایت خلوص آب را روی آب ریخت و با برادر مساوات کرد و در کوران حوادث قمر بنی‌هاشم آزمون‌های سختی داد و سربلند بیرون آمد و شهید از دنیا رفت.